

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه کلاس آداب الصلوة - شب هفتم ماه رمضان ۱۴۳۹

«فاقرأوا ما تيسر من القرآن»

اولین حجاب قرآن و راه های مبارزه با آن

یکی از مباحثی که امروز در حوزه های عمومی و اختصاصی جامعه مطرح است، بررسی علل مهبجوریت قرآن است. مرحوم امام در کتاب آداب الصلوة خود، مسئله را با عنوان حجاب های قرآن معرفی می کند. این حجاب های شیطانی و نفسانی را می توان در یک تقسیم بندی به حجاب های نظری، عقیدتی و حجاب های عملی دسته بندی کرد. همیشه مقتضیات موانع نظری قوی تر است. اسارت ذهنی بدتر از اسارت بدن است.

اولین حجاب قرآن، انکار و ناباوری آن تا کوچک شمردن و غفلت از اهمیت و عظمت قرآن است. جوان دانشجو در این هیاهو و زرق و برق نظام سلطه خود را می بازد و علت عقب افتادگی جامعه را آخوند ها می داند. منظورش از آخوند ها قرآن است. آخوند طریق قرآن است. اگر صنفی به طور مطلق کوبیده شود، خصومت با اشخاص نیست! این ها حامل مفهومی هستند و آنها (نظام سلطه) با این مفهوم مشکل دارند. آن ها می خواهند قرآن با آن قرائت درستش که از آن استقلال، مقاومت و مبارزه با ظالم استخراج می شود دایر نباشد و الا حتی اگر آخوندها هم نباشند ولی قرآن هنوز برقرار باشد، باز هم مشکل دارند.

هر پدیده ای که قرآن را در نظر کوچک کند، هر گزاره ای که کتابی را بر قرآن مقدم کند، عامل مهبجوریت قرآن است. حتی بزرگان معتقد بودند که ادبیات عرب را در قرآن بیاموزید. همه چیز را می توان در متن قرآن خواند. برجسته کردن هر امری در مقابل قرآن عامل استخفاف و مانع بهره مندی از قرآن است. در مقابل می توان قرآن را تعظیم کرد. از فرا عصری بودن و غیر قابل خطا بودن آن گفت. همه مطالب قرآن، چه احکامش، چه داستانش فرا زمانی است، در جغرافیا مکان و زمان نمی گنجد. تعظیم قرآن به هر شکلی باید انجام گیرد. کتاب قرآن را باید تدریس کرد.

اگر قرآن کوچک شمرده شد، حقیقت آن دنبال نخواهد شد. آن قدر تبلیغ زبان های انگلیسی و دروس علمی شده که فرد وقتی می خواهد بگوید که معلم قرآن است خجالت بکشد، اما کسی اگر بگوید که من معلم زبان هستم افتخار کند. این از مهبجوریت قرآن است. آن چیزی که عذاب را از امت برمی دارد حرمت قرآن است! اگر حرمت قرآن از بین رفت، دیگر مانعی برای عذاب نیست! آقای خویی فرمودند که برای تعلیم معارف دینی، حتی یک ورق کتاب منطبق لازم نیست. همه این ها اصول عقلایی است که در قرآن وجود دارد. چه در حوزه و

چه در دانشگاه هر گزاره و رفتاری که قرآن را خفیف کند، عامل مهجوریت قرآن است. راه مبارزه با این عامل مهجوریت، تعظیم و تعریف و شناخت قرآن است.

برای تغییر در جامعه، دو راه وجود دارد: یا با تغییر در باورها، عادت ها تغییر می کند، یا با تغییر در عادت‌ها باورها تغییر می کند. عادت‌ها که مبتنی بر باور تغییر کند راسختر است. باورها باید تغییر کند تا قرآن از مهجوریت خارج شود.

روش دوم خارج کردن قرآن از مهجوریت، شناخت آن است. قرآن کتاب هدایت است. امام می فرمایند تمام قرآن سیر و سلوک به سمت خداست، اما چون انسان موجودی است با ابعاد بسیار، لذا همه چیز در قرآن می‌آید. هدف قرآن در تمام موضوعات نباید فراموش شود.

نکته بعدی در تعظیم قرآن استفاده عمومی از قرآن است. قرآن کتابی است که می تواند کتاب مشترک بین ملل باشد. فلاسفه با آن همه اصول فکری متفاوت با علما، از قرآن استفاده می کنند. اگر قرآن درست تلاوت شود، از کوچک ترین نفس با کم ترین استعداد گرفته، تا بزرگ ترین نفس با بیشترین استعداد از آن استفاده خواهند کرد. مخاطب قرآن روح افراد است لذا بدیل ندارد. باید برای قرآن کار کرد.

محور دیگر قرآن تهذیب نفوس است. جوامع معتقدند که توانسته اند بیشتر مشکلاتشان را حل کنند! اما مشکلات اخلاقی و هبوط انسانیت جامعه را گرفته است. کبر و نخوت به جایی رسیده است که جاه طلبی به عنوان یک ارزش اخلاقی ذکر می شود. قرآن در عین این که تواضع و فروتنی را در انسان تزریق می کند، اما عزت انسان را نمی گیرد. این کتاب مملو از تذهیب حقیقی است و خودش هم مانع تذهیب نیست.

قرآن داستان بین حضرت موسی و حضرت خضر را بیان می کند، از همین داستان مفسرین ۲۰ نکته در آداب بین شاگرد و استاد بیان کرده اند. قرآن هم داستان گفته است، هم ادب گفته است، هم راه و روش گفته است. روش مناظره هم گفته است. علت این که فهم و درک و توان نداریم، خسته و نا امید هستیم، همه در یک کلمه است و آن بیگانگی از قرآن است. لذا یکی از راه مقابله با مهجوریت قرآن، فهم و تبلیغ ارزش قرآن است.

در روایت آمده است که دومی آمد پیش پیامبر (ص) تا از ایشان اجازه بگیرد که در یک جایی قرآن حرفی برای گفتن ندارد و از تورات به عنوان حکم الهی استفاده کند. پیامبر (ص) عصبانی شدند و فرمودند چیزی که بر من نازل شده است، بر احدی نازل نشده است. لذا وقتی می گویند قرآن قابل مقایسه با هیچ کتابی نیست، منظور نوشته های فلاسفه نیست. بلکه حتی با تورات و انجیل هم قابل مقایسه نیست. لذا اگر همه تورات را بخوانی، یک سوره توحید نمی شود. اگر این فهم در ما مستقر شود و آن را تبلیغ کردیم، مهجوریت نظری قرآن برداشته خواهد شد.